



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش

مقایسه و نقد تطبیقی تربیت اجتماعی از دیدگاه فارابی و علامه

طباطبائی و مبانی فلسفی آن.

اکبر نظرپورقنبرلو

استاد راهنما:

دکتر محسن ایمانی

استاد مشاور:

دکتر سعید بهشتی

تابستان ۹۰



تقدیم به

ارواح قدسی شهیدان کربلا

و به روح مادرم که در سفر کربلای معلی جان به جان آفرین تسلیم
کردند.

تشکر و قدردانی

پس از سپاس خداوند متعال که مرا در تدوین پژوهش حاضر یاری نمود لازم می دانم از استاد گرانقدر جناب آقای دکتر محسن ایمانی که راهنمایی این رساله را بر عهده داشتند و در طول نگارش آن مرا از راهنمایی های خردمندانه و مخلصانه خویش بهره مند ساختند. همچنین از استاد بزرگوار جناب آقای دکتر سعید بهشتی که با قبول مشاوره شاگرد خویش را سرافراز و از دقت نظر خویش مستفیض نمودند و نیز از استاد محترم سرکارخانم دکتر فیاض که در طی دوران تحصیل از محضرشان مستفیض شده ام تشکر و قدر دانی نموده و توفیق روز افزون این بزرگواران را از درگاه خداوند حکیم مسئلت می نمایم.

فهرست مطالب

عنوان.....	صفحه
عنوان.....	صفحه
۱- فصل اول کلیات تحقیق.....	14
۱-۱- مقدمه.....	۱۵
۲-۱- بیان مسأله.....	۱۷
۳-۱- اهمیت تحقیق	۱۸
۴-۱- اهداف تحقیق.....	۲۰
۵-۱- سؤال‌های تحقیق.....	۲۱
۶-۱- تعریف مفاهیم و اصطلاحات	۲۲.....
۲- فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه تحقیق.....	۲۶.....
۱-۲- مقدمه	۲۷.....
۲-۲- زندگینامه فارابی	۲۷
۳-۲- زندگینامه علامه طباطبایی	۳۱.....
۴-۲- آراء دانشمندان غرب در مورد پیدایش زندگی اجتماعی	۳۷
۱-۴-۲- افلاطون.....	۳۷.....

- ۴۰ ارسطو..... ۲-۴-۲
- ۴۱ توماس هابز..... ۳-۴-۲
- ۴۲ باروخ اسپینوزا ۴-۴-۲
- ۴۲..... آگوست کنت ۵-۴-۲
- ۴۳..... امیل دورکیم ۶-۴-۲
- ۴۴..... هربرت اسپنسر ۷-۴-۲
- ۴۴..... ویکو..... ۸-۴-۲
- ۴۵..... جان لاک ۹-۴-۲
- ۴۷..... آرای حکما و فیلسوفان مسلمان ۱-۵-۲
- ۴۷..... ابونصر فارابی ۲-۵-۲
- ۵۲ بوعلی مسکویه..... ۳-۵-۲
- ۵۲ شیخ الرئیس ابو علی سینا..... ۴-۵-۲
- ۵۳ خواجه نصیرالدین طوسی..... ۵-۵-۲
- ۵۴..... ابن خلدون..... ۶-۵-۲
- ۵۶ غزالی..... ۷-۵-۲
- ۵۷..... ملاصدرا..... ۸-۵-۲

- ۵۸ علامه طباطبایی ۹-۵-۲
- ۶۰ مرتضی مطهری ۱۰-۵-۲
- ۶۶ پیشینه تحقیق: ۱-۶-۲
- ۶۶ پایان نامه ها ۲-۶-۲
- ۷۰ مقاله ۷-۲
- ۷۵ فصل سوم: روش شناسی ۸-۲
- ۷۶ ۱-۳. نوع تحقیق
- ۷۷ ۲-۳. روش تحقیق
- ۷۸ ۳-۳. روش گردآوری اطلاعات
- ۷۹ ۴-۳. روش تجزیه و تحلیل
- ۸۱ فصل چهارم: یافته های تحقیق
- ۸۲ ۱-۴. مقدمه
- ۸۲ ۱-۱-۴. بررسی مفهوم تربیت اجتماعی از دیدگاه فارابی
- ۸۳ ۲-۱-۴. بررسی مفهوم تربیت اجتماعی از دیدگاه علامه طباطبایی
- ۸۵ ۳-۱-۴. مبانی فلسفی تربیت اجتماعی از دیدگاه فارابی
- ۸۶ ۴-۱-۴. خدا شناسی در فلسفه فارابی

- ۸۶..... ۴-۱-۵- جهان شناسی
- ۸۸..... ۴-۱-۶- انسان شناسی
- ۹۲..... ۴-۱-۷- مبنای دینی
- ۹۳..... ۴-۱-۸- مبنای علمی
- ۹۳..... ۴-۱-۹- مبنای اجتماعی
- ۹۴..... ۴-۱-۱۰- مبنای روان شناختی
- ۹۵..... ۴-۱-۱۱- مبنای جغرافیایی و ساختار شهری
- ۹۵..... ۴-۱-۱۲- مبانی فلسفی تربیت اجتماعی از دیدگاه علامه طباطبایی
- ۹۶..... ۴-۱-۱۲-۱- خدا شناسی در فلسفه علامه طباطبایی
- ۹۸..... ۴-۱-۱۲-۲- جهان شناسی
- ۱۰۰..... ۴-۱-۱۲-۳- انسان شناسی
- ۱۰۳..... ۴-۱-۱۳- مبنای دینی
- ۱۰۴..... ۴-۱-۱۴- مبنای علمی
- ۱۰۶..... ۴-۱-۱۵- مبنای اجتماعی
- ۱۰۷..... ۴-۱-۱۶- مبنای جغرافیایی و محیطی
- ۱۰۸..... ۴-۱-۱۷- اصول تربیت اجتماعی از دیدگاه فارابی

- ۱۰۸.....۱-۱۷-۱-۴- اصل عدالت اجتماعی.....
- ۱۰۹.....۲-۱۷-۱-۴- اصل تفاوت‌های فردی
- ۱۱۰.....۳-۱۷-۱-۴- اصل همگانی بودن تربیت اجتماعی.....
- ۱۱۱.....۴-۱۷-۱-۴- اصل ترکیب نظر و عمل اجتماعی
- ۱۱۱.....۵-۱۷-۱-۴- اصل محبت به دیگران.....
- ۱۱۲.....۱۸-۱-۴- اصول تربیت اجتماعی از دیدگاه علامه طباطبایی
- ۱۱۲.....۱-۱۸-۱-۴- اصل عدالت اجتماعی
- ۱۱۴.....۲-۱۸-۱-۴- اصل استخدام و اجتماع
- ۱۱۶.....۳-۱۸-۱-۴- اصل تفاوت‌های فردی
- ۱۱۷.....۴-۱۸-۱-۴- اصل احسان
- ۱۱۸.....۵-۱۸-۱-۴- اصل تعلیم و تعلم همگانی
- ۱۱۸.....۶-۱۸-۱-۴- اصل کرامت اجتماعی
- ۱۲۰.....۱۹-۱-۴- روش‌های تربیت اجتماعی از دیدگاه فارابی
- ۱۲۰.....۱-۱۹-۱-۴- روش مبتنی بر استنباط و فهم مسائل اجتماعی
- ۱۲۱.....۲-۱۹-۱-۴- روش تجربی و مشاهده در اجتماع.....
- ۱۲۱.....۳-۱۹-۱-۴- روش مسموع و روش احتزاء از امور اجتماعی.....

- ۱۲۲.....۴-۱۹-۱-۴- روش عادت و تکرار و تمرین اعمال اجتماعی.....
- ۱۲۲.....۵-۱۹-۱-۴- روش آموزش عملی مهارت های اجتماعی.....
- ۱۲۳.....۲۰-۱-۴- روش تربیت اجتماعی از دیدگاه علامه طباطبایی.....
- ۱۲۳.....۱-۲۰-۱-۴- روش تبعیت از الگوهای متعالی اجتماعی.....
- ۱۲۴.....۲-۲۰-۱-۴- روش رشد عقلانی در روابط اجتماعی.....
- ۱۲۶.....۳-۲۰-۱-۴- روش پند و اندرز (موعظه و نصیحت).....
- ۱۲۷.....۴-۲۰-۱-۴- روش امر به معروف و نهی از منکر.....
- ۱۲۸.....۵-۲۰-۱-۴- روش مشورت.....
- ۱۲۹.....۶-۲۰-۱-۴- روش آموزش عملی مهارت های اجتماعی.....
- ۱۳۰.....۲۱-۱-۴- نقد تطبیقی تربیت اجتماعی از دیدگاه فارابی و علامه طباطبایی.....
- ۱۴۶.....۱-۵- فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری.....
- ۱۶۹.....۲-۵- محدودیت های تحقیق.....
- ۱۷۲.....منابع.....

چکیده:

موضوع اصلی این تحقیق مقایسه و نقد تطبیقی تربیت اجتماعی از دیدگاه فارابی و علامه طباطبایی و مبانی فلسفی آن است. این تحقیق از نوع نظری و روش آن توصیفی - تحلیلی است و برای جمع آوری اطلاعات و داده های لازم از روش کتابخانه ای استفاده شده است. در این تحقیق در فصل اول، به بیان اهمیت، اهداف و سوال های تحقیق پرداخته شده و در فصل دوم پیشینه تحقیق و مختصری از زندگی نامه فارابی و علامه طباطبایی بیان گردیده است. فصل سوم به روش تحقیقی که در این پایان نامه مورد استفاده قرار گرفته که روش توصیفی- تحلیلی می باشد اختصاص داده شده است. در فصل چهارم به مبانی تربیت اجتماعی از دیدگاه فارابی و علامه طباطبایی پرداخته شده است که عبارتند از: مبانی فلسفی، مبانی دینی، مبانی اجتماعی، مبانی علمی می باشد که نظر هر دو فیلسوف در آن مبانی مشترک می باشد. اصولی که فارابی در تربیت اجتماعی به آن توجه داشته عبارتند از: اصل تفاوت های فردی در تربیت اجتماعی، اصل همگانی بودن تربیت اجتماعی، اصل عدالت اجتماعی، اصل ترکیب نظر و عمل اجتماعی، اصل محبت به دیگران و اصولی که علامه طباطبایی در تربیت اجتماعی مد نظر قرار داده عبارتند از اصل عدالت اجتماعی، اصل استخدام، اصل تفاوت های فردی در تربیت اجتماعی، اصل احسان، اصل تعلیم و تعلم همگانی، اصل کرامت اجتماعی می باشد که در اصول تربیت اجتماعی نیز نقطه اشتراک فراوانی در دیدگاه آن ها به چشم می خورد با این که تفاوت هایی نیز در دیدگاهشان وجود دارد. روش های تربیت اجتماعی از دیدگاه فارابی عبارتند از: روش مبتنی بر استنباط و فهم مسائل اجتماعی، روش تجربی و مشاهده در اجتماع، روش مسموع و روش احتزاء از امور اجتماعی، روش عادت و تکرار و تمرین مهارت های اجتماعی، روش آموزش عملی مهارت های اجتماعی و روش های تربیت اجتماعی از دیدگاه علامه طباطبایی عبارتند از: روش تبعیت از الگوهای متعالی اجتماعی، روش رشد عقلانی در روابط

اجتماعی، روش پند و اندرز (موعظه و نصیحت)، روش امر به معروف و نهی از منکر و روش مشورت در امور اجتماعی.

کلید واژه ها : تربیت اجتماعی، مبانی تربیت اجتماعی، اصول تربیت اجتماعی، روش های تربیت اجتماعی، فارابی، علامه طباطبایی.

فصل اول : کلیات تحقیق

۱-۱- مقدمه :

تعلیم و تربیت از دیر باز مورد توجه همه فیلسوفان و مربیان تعلیم و تربیت بوده و تاکنون هم ضرورت آن مورد تردید قرار نگرفته است، زیرا که تعلیم و تربیت صحیح می‌تواند فرد را به بالاترین درجه ارزش‌ها برساند و اگر از مسیر صحیح خود خارج شود زمینه سقوط او را فراهم می‌آورد. «به قول کانت بشر تنها با تعلیم و تربیت آدم می‌شود و آدمی چیزی جز آنچه تربیت از او می‌سازد، نیست (شکوهی، ۱۳۸۳، ص ۱۱)

فرایند تعلیم و تربیت هم در بستر خانواده و نهادهای اجتماعی و جامعه شکل می‌گیرد پس انسان همیشه در تعامل با محیط اجتماعی است و مناسبات اجتماعی می‌توانند زمینه‌ساز سازندگی و یا ویرانگری شخصیت افراد باشند. براین اساس ملاحظه می‌شود که ادیان الهی و به ویژه «دین مبین اسلام به شدت به تربیت اجتماعی اهتمام دارد و مهمترین دستاوردهای دینی خود را بر اساس اجتماع بنیان‌گذاری کرده است». (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۸).

تربیت اجتماعی یکی از ارکان و اساس تربیت را تشکیل می‌دهد. این بعد از تربیت هم باعث رشد شخصیت فردی می‌شود و هم میراث فرهنگی جامعه را به نسل آینده منتقل می‌کند و زمینه‌ساز شکوفایی و بالندگی جامعه می‌شود.

به نظر فارابی «آفرینش انسان به گونه‌ای است که دستیابی او به کمالات وجودی‌اش، نیازمند مقدماتی است که تامین آن مقدمات از عهده هر فرد به تنهایی خارج است، لذا برای برآوردن این نیاز، اجتماعات انسانی تشکیل می‌شود. در اجتماع، هر فرد در راه وصول به کمال از یاری دیگران بهره‌مند می‌شود و علاوه بر تامین نیازهای طبیعی و ملزومات حیات خویش، آنچه را که نیل به کمال نیز بدان بستگی دارد، در می‌یابد». (فارابی، ۱۳۷۷، صص ۱۱۷ و ۱۱۸)

تربیت اجتماعی در جایی تصوّر می‌شود که برای انسانهای دیگر در اجتماع، حقوق و تکالیفی در نظر گرفته شود. زیرا «تربیت» فرایندی است که در بُعد اجتماعی هدفش تسهیل عمل به وظائف اجتماعی در مقابل سایر انسان ها و موقعیت‌های اجتماعی است. بنابراین لازمه یک نظام تربیت اجتماعی منسجم، در نظر گرفتن حقوق متقابل افراد انسانی، در جامعه می‌باشد و این نظام باید بتواند با ساده-ترین روش‌ها مریبان خود را به حقوق اجتماعی یکدیگر آشنا ساخته و رفتار مطابق آنها را درخواست نماید.

تمامی مکاتب الهی و بشری این اصل را پذیرفته‌اند که در صورتی می‌توان به جامعه نظم و ثبات بخشید که حقوق و تکالیفی که برای انسان ها در نظر گرفته شده به خوبی مورد عمل قرار گیرد. از دیدگاه امام علی علیه السلام مسلمانان در جامعه اسلامی با یکدیگر برادر بوده و میان آنها حقوق و تکالیفی وجود دارد «ولأخیک علیک مثل الذی لک علیه» (الحرانی، ۱۳۵۴، ص ۹۲). «هر حقی تو به گردن برادرت داری، او هم به گردن تو دارد». از سوی دیگر، حضرت معیار جامعی برای انتخاب رفتار مناسب و شایسته در برابر سایر برادران دینی به دست می‌دهد که انسان با به کار بستن آن می‌تواند جامعه اسلامی را به گلستان ابدی تبدیل نماید، و با داشتن این قاعده کلی، دیگر نیاز چندانی به تعیین مصادیق در برخوردهای اجتماعی باقی نمی‌ماند. حضرت می‌فرماید:

«ای کلمه حکم جامعه ان تحب للناس ما تحب لنفسک و تکره لهم ما تکره لها».

چه سخن حکیمانه جامعی است که هرچه برای خود می‌خواهی، برای مردم نیز همان را بخواه و آنچه برای خود نمی‌پسندی، برای آنان نیز نپسند.» (همان، ص ۹۲)

به نظر می‌رسد که تربیت انسانی نمی‌تواند در تمامی ابعادش (از جمله تربیت اجتماعی) در نهایت، اهدافی متفاوت با خلقت انسان داشته باشد. خداوند در مورد هدف آفرینش می‌فرماید «وما خلقتُ

الجنّ و الانس الاّ ليعبدون» (سوره ذاریات آیه ۵۶) و ما جنّ و انس را نیافریدیم جز آن که خدا را عبادت نمایند.

به هر حال، نظام واحد نیازمند به هدف واحد برای اجزا و عناصر خویش می‌باشد و هدف واحد تمامی انواع تربیت‌ها می‌بایست به «عبادت و شناخت» خدا منجر شود. بر همین مبنا و اساس، هدف از تربیت اجتماعی در نهایت «قرب الهی» است

۱-۲- بیان مساله

یکی از مهم ترین و هدفمندترین جریان‌ها در زندگی بشر تعلیم و تربیت است. که تاثیر آن به گونه ای همه جانبه در ابعاد فکری، علمی، اخلاقی، هنری، مذهبی، اجتماعی و سیاسی در آدمی هویداست. بدون شک یکی از کارکردهای مهم تعلیم و تربیت فرایند جامعه پذیری و تربیت اجتماعی می‌باشد.

با توجه به این که در جامعه شاهد بروز انحرافات اجتماعی می‌باشیم و ملاحظه می‌شود که از برخی رفتارهای غیر اجتماعی سر می‌زند و برخی نیز توان برقراری مناسبات و تعاملات اجتماعی را به نحو مطلوب ندارند و برخی دچار ناسازگاری با دیگران می‌باشند و تعاملات آنان مساله‌آفرین بوده و برای دیگران معضلاتی را فراهم می‌کند و با اندکی تعمق درمی‌یابیم که ریشه بسیاری از این گونه مشکلات در عدم تربیت اجتماعی مطلوب آنان می‌باشد، پس ضرورت دارد که مقوله تربیت اجتماعی بیش از گذشته مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد، به همین دلیل در پی آن هستیم که با پژوهشی در خصوص مبانی فلسفی تربیت اجتماعی و آرای فیلسوفانی بنام و شهیر به یافته‌هایی دست یابیم که آن یافته‌ها بتوانند ما را در جهت بالندگی و شکوفایی هرچه بیشتر تربیت اجتماعی یاری نمایند، لذا به منظور تحقق این امر به بررسی آرای دو فیلسوف مطرح یعنی فارابی و علامه طباطبایی می‌پردازیم تا از

آبخور اندیشه‌های متعالی آنان ره توشه‌ای جهت سامان بخشیدن به ابعاد نظری تربیت اجتماعی بهره برگیریم. به دلیل آن که انسان موجودی اجتماعی است و در بستر اجتماع رشد می‌کند، هم بر آن تأثیر می‌گذارد و هم به شدت تحت تأثیر روابط اجتماعی قرار می‌گیرد. تربیت اجتماعی به فرد کمک می‌کند که به نحو مطلوب و شایسته‌ای به گروه بپیوندد و با محیط اجتماعی سازگار شود و نیز به تکامل افراد و جامعه کمک نماید و از طرفی دیگر آدمی نمی‌تواند مستقل از جامعه زندگی کند و ناگزیر باید وارد اجتماع شود، بنابراین تربیت اجتماعی امر بسیار مهمی است که باید از دوران کودکی مورد توجه قرار گیرد

فارابی فیلسوفی است که با توجه به طرح «مدینه فاضله» خویش برای تربیت اجتماعی توجهی ویژه معطوف داشته است. اجتماع ایده‌ال انسانی که در اصطلاح فارابی مدینه فاضله خوانده می‌شود، در حقیقت نقشه جامعه‌ای اتوپیایی است و بر اساس الگویی برگرفته از نظام کلی هستی بنا شده است. این الگو نمونه مینیاتوری نیز دارد که همانا بدن آدمی است. بنابراین اجزای مدینه نیز اعم از منزل و یا آحاد مردم اگر به مقتضای جایگاه ویژه خود در نقشه جامع مدینه فاضله عمل کنند و اندیشه‌ای متناسب با جایگاه علمی خویش در این مجموعه داشته باشند به برترین کمالات انسانی ممکن دست می‌یابند، از همین روست که جهت‌گیری تعلیم و تربیت در نزد فارابی «هدایت فرد به وسیله فیلسوف و حکیم برای عضویت در مدینه فاضله به منظور دستیابی به سعادت و کمال اول در این دنیا و کمال نهایی در آخرت است». (اعرافی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۸۹)

از نظر علامه طباطبایی جامعه همانند یک ارگانیزم زنده است، که دارای یاخته‌ها اعضا و دستگاه‌هایی است این موجود زنده اجتماعی مانند موجود انسانی دارای خصوصیات از قبیل تغذیه و رشد است در حال رشد بر تعقید و پیچیدگی آن افزوده می‌شود. خلاصه آن که هم ساختار جامعه و هم کارکرد

افراد جامعه درست مانند ساختار بدن آدمی و اعضاء و دستگاہهای آن است. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۱۴۰).

در این تحقیق سعی خواهد شد تا تربیت اجتماعی از دیدگاه فارابی و علامه طباطبایی دو فیلسوف بزرگ اسلام مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

۱-۳- اهمیت تحقیق

انسان در بستر اجتماع رشد می‌کند و از آن تأثیر می‌پذیرد، زیرا رابطه میان فرد و اجتماع رابطه حقیقی است. تربیت اجتماعی به فرد کمک می‌کند که به نحو مطلوب و شایسته‌ای به گروه بپیوندد و همچنین وسیله سازگاری با محیط مادی می‌باشد و نیز به تکامل جامعه و افراد منجر می‌شوند. بدیهی است حفظ موجودیت در برابر امواج خروشان اجتماع احتیاج به نیرومندی و تجهیزات روحی دارد (رشیدپور، ۱۳۶۶، ص ۳۷) و به این نکته مهم باید توجه داشت که زندگی اجتماعی در اسلام هدفی بس فراتر از حل و فصل مشکلات زندگی فردی دارد.

پس آدمی برای کسب این نوع توانمندی‌ها باید پرورش یابد تا بتواند به سازگاری با دیگران برسد. از طرفی دیگر زندگی شامل برقراری ارتباط با انسان‌های گوناگون است و بطور مسلم برخورد و تعامل با چهره‌های مختلف کار هر کس نیست و زندگی اجتماعی به آموزش برخی مهارت‌ها احتیاج دارد، بنابراین تربیت اجتماعی امر بسیار مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد. به همین جهت مطالعه در خصوص مبانی فلسفی تربیت اجتماعی ضرورت می‌یابد.

لذا به دلایل اهمیت موضوع در این پژوهش سعی کردیم با توجه به مبانی فلسفی دو فیلسوف بزرگ اسلام، فارابی و علامه طباطبایی مبانی، اصول و روش های تربیت اجتماعی را از دیدگاه آن ها استخراج کرده و برای اعتلای فرهنگ اسلامی و تعلیم و تربیت نقشی مثبت ایفا نماییم.

۱-۴- اهداف تحقیق :

هدف کلی: مقایسه و نقد تطبیقی تربیت اجتماعی از دیدگاه فارابی و علامه طباطبایی و مبانی فلسفی آن.

اهداف جزئی:

- ۱) شناخت مفهوم تربیت اجتماعی از دیدگاه فارابی
- ۲) شناخت مفهوم تربیت اجتماعی از دیدگاه علامه طباطبایی
- ۳) بررسی مبانی فلسفی تربیت اجتماعی از دیدگاه فارابی
- ۴) بررسی مبانی فلسفی تربیت اجتماعی از دیدگاه علامه طباطبایی
- ۵) بررسی اصول تربیت اجتماعی از دیدگاه فارابی
- ۶) بررسی اصول تربیت اجتماعی از دیدگاه علامه طباطبایی.
- ۷) شناخت روش‌های تربیت اجتماعی از دیدگاه فارابی
- ۸) شناخت روش‌های تربیت اجتماعی از دیدگاه علامه طباطبایی
- ۹) نقد تطبیقی دیدگاه فلسفی و تربیتی فارابی و علامه طباطبایی
- ۱۰) بررسی وجوه اشتراک و افتراق دیدگاه‌های تربیتی فارابی و علامه طباطبایی